

# **The Examination of the Proportionality of Disciplinary Punishments with Committed Offenses in Student Misconduct Cases**

1. Hamed Parkhid\*: Master's student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Taft Branch, Islamic Azad University, Taft, Iran. Email: hamedparkhid@gmail.com (Corresponding Author)
2. Masoud Rasoulmoghadam: Master's student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran

## **ABSTRACT**

This article examines the proportionality of disciplinary sanctions in relation to student offenses in academic misconduct cases. The primary goal of the research is to evaluate the structure and processes of disciplinary committees in universities and to assess the adherence to principles of justice and fair trial in these proceedings. The research method is qualitative, involving content analysis of university disciplinary regulations and a review of real cases of student misconduct. The findings indicate that, in many instances, there is a lack of proportionality between the offense committed and the imposed punishment, with students facing unjust and disproportionate sanctions. This issue is particularly evident when minor infractions result in severe penalties, leading to dissatisfaction and a sense of injustice among students. Furthermore, the disciplinary process in many universities is opaque and lengthy, which increases psychological stress for the accused students. The lack of adequate communication regarding students' rights and the absence of a full defense opportunity are major violations of fair trial principles. Based on the research findings, several recommendations are proposed for improving the structure and processes of disciplinary actions, including revising regulations, ensuring the independence of disciplinary bodies, and fully adhering to fair trial principles. These suggestions aim to guarantee justice and proportionality in dealing with student misconduct cases. The final conclusion emphasizes that revising disciplinary regulations and increasing transparency in the disciplinary process could help improve fairness and reduce dissatisfaction in universities.

**Keywords:** *Disciplinary sanctions, proportionality of punishment, justice, fair trial, student misconduct, disciplinary regulations, disciplinary committees, student rights*

How to cite: Parkhid, H., & Rasoulmoghadam, M. (2024). The Examination of the Proportionality of Disciplinary Punishments with Committed Offenses in Student Misconduct Cases. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(3), 19-32.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 24 July 2024  
Revise Date: 12 September 2024  
Accept Date: 25 September 2024  
Publish Date: 11 October 2024



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

## بررسی تناسب مجازات‌های تنبیهی با فعل ارتكابی در تخلفات انضباطی دانشجویان

۱. حامد پرخید: دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد تفت، دانشگاه آزاد اسلامی، تفت، ایران. پست الکترونیک: [hamedparkhid@gmail.com](mailto:hamedparkhid@gmail.com) (نویسنده مسئول)

۲. مسعود رسولی مقدم: دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

### چکیده

این مقاله به بررسی تناسب مجازات‌های تنبیهی با فعل ارتكابی در تخلفات انضباطی دانشجویان پرداخته است. هدف اصلی این تحقیق، ارزیابی ساختار و فرآیندهای انضباطی دانشگاه‌ها و بررسی میزان رعایت اصول عدالت و دادرسی منصفانه در این زمینه است. روش تحقیق به صورت کیفی و با تحلیل محتوای آیین‌نامه‌های انضباطی دانشگاه‌ها و بررسی پرونده‌های واقعی تخلفات دانشجویان انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، تناسب لازم بین تخلفات ارتكابی و مجازات‌های اعمال‌شده وجود ندارد و دانشجویان با مجازات‌های ناعادلانه و نامتناسب مواجه می‌شوند. این مسئله به ویژه در مواردی که تخلفات جزئی با مجازات‌های سنگین همراه است، موجب نارضایتی و ایجاد احساس بی‌عدالتی در میان دانشجویان می‌شود. از سوی دیگر، روند رسیدگی به تخلفات انضباطی در بسیاری از دانشگاه‌ها غیرشفاف و طولانی است که این خود باعث افزایش فشار روانی بر دانشجویان متهم می‌شود. همچنین، عدم اطلاع‌رسانی مناسب به دانشجویان درباره حقوق خود و نبود امکان دفاع کامل، نقض اصول دادرسی منصفانه را به همراه دارد. بر اساس نتایج تحقیق، پیشنهاداتی برای بهبود ساختار و فرآیندهای انضباطی ارائه شده است که شامل اصلاح آیین‌نامه‌ها، تضمین استقلال مراجع انضباطی، و رعایت کامل اصول دادرسی منصفانه می‌شود. این پیشنهادات با هدف تضمین عدالت و تناسب مجازات‌ها در رسیدگی به تخلفات دانشجویان ارائه شده‌اند. نتیجه‌گیری نهایی این است که بازنگری و اصلاح آیین‌نامه‌های انضباطی و ایجاد شفافیت بیشتر در روند رسیدگی به تخلفات، می‌تواند به بهبود عدالت و کاهش نارضایتی‌ها در دانشگاه‌ها کمک کند.

**واژگان کلیدی:** مجازات‌های انضباطی، تناسب مجازات، عدالت، دادرسی منصفانه، تخلفات دانشجویی، آیین‌نامه انضباطی، مراجع انضباطی، حقوق دانشجویان

**نحوه استناددهی:** پرخید، حامد، و رسولی مقدم، مسعود. (۱۴۰۳). بررسی تناسب مجازات‌های تنبیهی با فعل ارتكابی در تخلفات انضباطی دانشجویان. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۳)، ۱۹-۳۲.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۲ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۴ مهر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۰ مهر ۱۴۰۳





در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، ایجاد فضای منضبط و سالم برای تربیت دانشجویان و رشد علمی و اخلاقی آنان از اهمیت بسزایی برخوردار است. نهادهای آموزشی به‌عنوان رکن‌های اساسی جامعه، وظیفه دارند تا به شکلی هدفمند و اصولی، رفتارها و هنجارهای صحیح را در محیط‌های علمی ترویج دهند و از بروز هرگونه تخلف و ناهنجاری جلوگیری کنند. این محیط‌ها باید دارای نظام‌های انضباطی دقیق و منصفانه باشند تا در صورت بروز تخلف از سوی دانشجویان، مجازات‌ها و تنبیهاتی که به‌کار گرفته می‌شوند، با فعل ارتکابی تناسب داشته و بر اساس اصول دادرسی منصفانه اجرا شوند (Moradkhani & Mahmoudi, 2020). موضوع مجازات‌های انضباطی دانشجویان از منظر حقوقی و تربیتی حائز اهمیت است؛ زیرا نحوه رسیدگی به تخلفات و چگونگی اعمال تنبیهات، تأثیر مستقیمی بر حفظ حقوق فردی و اجتماعی دانشجویان و نیز رعایت عدالت در فضای دانشگاهی دارد.

یکی از مشکلات رایج در نظام انضباطی دانشگاهی، عدم تناسب مجازات‌های تنبیهی با فعل ارتکابی است. این مسئله نه تنها می‌تواند اثرات منفی بر روحیه و عملکرد دانشجویان بگذارد، بلکه اعتماد عمومی به مراجع انضباطی را نیز کاهش می‌دهد. برای نمونه، اعمال مجازات‌های سنگین برای تخلفات کوچک، نظیر محرومیت از تحصیل به دلیل حضور ناکافی در کلاس‌ها، ممکن است منجر به ایجاد احساس ناعدالتی در میان دانشجویان شود و بر روابط آنان با محیط دانشگاه تأثیر منفی بگذارد. از سوی دیگر، تخلفات جدی مانند نقض اخلاقی یا تهدید امنیت دانشگاهی نیز باید با مجازات‌های مناسب و متناسب همراه باشد تا به‌طور مؤثر، فضای آموزشی و انضباطی حفظ شود (Ardelani & Shahraki Pour, 2023). از این رو، موضوع تناسب میان مجازات‌ها و تخلفات ارتکابی از دیدگاه عدالت حقوقی و اخلاقی مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است.

اهداف تحقیق حاضر شامل بررسی و تحلیل تناسب مجازات‌های تنبیهی با فعل ارتکابی در تخلفات انضباطی دانشجویان است. این تحقیق به دنبال شناسایی نقاط قوت و ضعف در نظام‌های انضباطی دانشگاه‌ها، به‌ویژه در بخش مربوط به تناسب تنبیه‌ها با تخلفات، و ارائه پیشنهادات کاربردی برای بهبود این نظام‌هاست. یکی از اهداف اصلی این تحقیق، ارتقای شفافیت و عدالت در روند رسیدگی به تخلفات انضباطی است تا از آسیب‌های احتمالی ناشی از اعمال مجازات‌های ناعدلانه جلوگیری شود (Bagheri & Barzegar, 2020). به‌علاوه، این پژوهش درصدد است تا با بررسی دقیق مقررات و آیین‌نامه‌های انضباطی، به ارائه راهکارهای اصلاحی و بهبود کیفیت رسیدگی‌های انضباطی بپردازد. سوالات تحقیق به‌طور کلی به نحوه تناسب مجازات‌های تنبیهی با تخلفات دانشجویان پرداخته و به دنبال پاسخ به این سوالات است که آیا ساختار، صلاحیت و آیین رسیدگی مراجع انضباطی دانشجویان با اصول دادرسی منصفانه سازگار است؟ آیا در مقررات انضباطی دانشجویان، حقوق دفاعی متهمان به‌طور کامل رعایت می‌شود؟ همچنین فرضیات تحقیق بر این اساس استوار است که ساختار و آیین رسیدگی مراجع انضباطی دانشجویان در بسیاری از موارد با اصول دادرسی منصفانه تطابق ندارد و مهم‌ترین حقوق دفاعی دانشجویان مانند حق سکوت و استفاده از وکیل به‌درستی در آیین‌نامه‌ها مورد توجه قرار نگرفته است (Student Disciplinary Regulations, 2022).

روش تحقیق در این پژوهش به‌صورت توصیفی-تحلیلی است و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی مقالات و منابع موجود، به بررسی و تحلیل نظام‌های انضباطی در دانشگاه‌های مختلف پرداخته می‌شود. استفاده از منابع علمی و کتابخانه‌ای به‌منظور تحلیل دقیق مقررات انضباطی و بررسی تجربیات دیگر کشورها و نهادهای دانشگاهی در این حوزه نیز بخش مهمی از این روش تحقیق است. در این پژوهش، علاوه بر تحلیل حقوقی و قانونی، به مسائل اجتماعی و تربیتی نیز پرداخته می‌شود تا تناسب مجازات‌های انضباطی با فعل ارتکابی در قالبی

جامع و فراگیر بررسی شود (Mahmoudi & Eskandari, 2014). به‌علاوه، بررسی پرونده‌های واقعی و نمونه‌های مرتبط با تخلفات انضباطی دانشجویان نیز در راستای تحلیل کیفی نتایج پژوهش به‌کار گرفته خواهد شد. با توجه به رشد سریع و چشم‌گیر تعداد دانشجویان در کشور و نیز اهمیت تربیت صحیح آنها، این تحقیق از اهمیت بالایی برخوردار است. دانشگاه‌ها باید نه تنها محیطی علمی برای دانشجویان فراهم آورند، بلکه باید در حفظ حقوق و عدالت در برخورد با تخلفات انضباطی کوشا باشند. این مهم نه تنها به ارتقای کیفیت آموزش کمک می‌کند، بلکه باعث افزایش اعتماد عمومی به نظام آموزشی و بهبود فضای دانشگاهی خواهد شد. به‌ویژه اینکه دانشجویان، آینده‌سازان جامعه هستند و محیطی که در آن تحصیل می‌کنند، باید منصفانه، شفاف و در راستای عدالت باشد.

### مبانی نظری

مجازات‌های انضباطی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم حفظ نظم و رعایت قوانین و مقررات محسوب می‌شوند. این مجازات‌ها به منظور مقابله با تخلفات دانشجویی و رفتارهایی که خلاف شأن و ضوابط دانشگاهی است، اعمال می‌گردد. این نوع مجازات‌ها معمولاً شامل اخطار کتبی، تذکر شفاهی، تعلیق از تحصیل، و در موارد جدی‌تر، اخراج دائم از دانشگاه می‌شود. به عبارت دیگر، مجازات‌های انضباطی وسیله‌ای برای حفظ احترام و اعتبار محیط دانشگاهی هستند و می‌بایست با تخلف ارتكابی تناسب داشته باشند تا از یک سو به اصلاح رفتار دانشجویان منجر شده و از سوی دیگر عدالت را در فضای دانشگاهی تأمین کنند (Mahmoudi & Eskandari, 2014).

در تحلیل مفهوم مجازات‌های انضباطی باید توجه داشت که هدف اصلی از این مجازات‌ها، اصلاح رفتار دانشجویان است نه صرفاً مجازات کردن آنها. این نوع تنبیه‌ها باید به گونه‌ای باشند که علاوه بر جلوگیری از تکرار تخلفات، دانشجویان را به رعایت قوانین دانشگاهی تشویق کنند. انتخاب نوع مجازات باید با توجه به شدت تخلف و دفعات تکرار آن انجام شود. برای مثال، اخطار کتبی یا تذکر شفاهی برای تخلفات سبک مانند بی‌نظمی در کلاس‌ها یا عدم رعایت اصول لباس پوشیدن کافی است، در حالی که تخلفات جدی‌تر مانند تعرض به دیگران یا تقلب در امتحانات نیاز به تنبیه‌های سنگین‌تری دارد (Ghapanchi & Danesh Nari, 2012).

دادرسی منصفانه یکی از اصول بنیادین در هر نظام قضایی و انضباطی است که هدف آن رعایت حقوق افراد در فرآیند رسیدگی به تخلفات است. در زمینه تخلفات انضباطی دانشجویان، دادرسی منصفانه به معنای رعایت حقوق دفاعی دانشجویان و تضمین عدم تعرض به حقوق اساسی آنان است. این اصول شامل مواردی نظیر حق دسترسی به وکیل، حق برائت تا زمان اثبات تخلف، و حق اعتراض به احکام صادره می‌شود (Aghaei Jannat Makan, 2017).

مفهوم دادرسی منصفانه در رسیدگی به تخلفات انضباطی به این معناست که دانشجو باید از حقوق خود در طول فرآیند رسیدگی مطلع باشد و امکان دفاع از خود را داشته باشد. برای مثال، یکی از اصول دادرسی منصفانه این است که دانشجو باید بتواند از وکیل استفاده کند و از دلیل‌ها و مدارک علیه خود آگاهی داشته باشد تا بتواند به‌طور مؤثر دفاع کند (Raeijian Asl, 2014). همچنین، عدم استقلال مراجع رسیدگی‌کننده از دانشگاه و عدم شفافیت در روند دادرسی می‌تواند این فرآیند را ناقص کرده و به بی‌اعتمادی دانشجویان منجر شود (Babaei, 2012).

تناسب مجازات با فعل ارتکابی یکی از اصول اساسی عدالت است که به ویژه در مورد مجازات‌های انضباطی اهمیت فراوان دارد. این اصل به معنای آن است که نوع و شدت مجازات باید با میزان و نوع تخلف انجام‌شده همخوانی داشته باشد. عدم رعایت این اصل می‌تواند به ایجاد احساس ناعدالتی در میان دانشجویان منجر شود و تأثیرات منفی بر رفتار و روابط آنان با محیط دانشگاهی بگذارد (Ardelani & Shahraki, 2023).

تناسب مجازات با فعل ارتکابی به‌ویژه در سیستم‌های آموزشی از اهمیت مضاعفی برخوردار است؛ چرا که هدف از مجازات در این محیط‌ها تنها مجازات کردن نیست، بلکه اصلاح رفتار و تربیت دانشجویان برای حضور موثر در جامعه است. فلسفه حقوقی تناسب مجازات بر این مبنا است که تنبیه باید به‌عنوان ابزاری برای هدایت و نه صرفاً سرکوب استفاده شود (MirMohammad Sadeghi, 2013). از این رو، در انتخاب مجازات‌ها باید به عواملی نظیر سابقه دانشجوی، نوع تخلف، و تأثیرات احتمالی مجازات بر آینده دانشجو توجه داشت. به‌عنوان مثال، تعلیق از تحصیل ممکن است برای یک تخلف خاص بسیار سنگین و نابجا باشد، در حالی که ممکن است تحریم فعالیت‌های اجتماعی دانشگاهی به‌عنوان مجازاتی متناسب‌تر و اصلاح‌گرتر عمل کند.

مجازات‌های تنبیهی در محیط دانشگاهی از دیرباز مورد بحث و بررسی محققان و متخصصان حوزه‌های مختلف آموزشی و حقوقی قرار گرفته است. برخی دیدگاه‌ها به مجازات‌های سنگین‌تر معتقدند و بر این باورند که مجازات‌های تنبیهی باید به‌گونه‌ای باشند که به‌طور جدی از تکرار تخلفات جلوگیری کنند. این دیدگاه بیشتر بر نقش تنبیهی و بازدارنده مجازات‌ها تأکید دارد و معتقد است که مجازات‌های سبک‌تر ممکن است منجر به ایجاد فرهنگ تخلف و عدم احترام به قوانین دانشگاهی شود (Babaei, 2012).

در مقابل، دیدگاه‌های دیگری وجود دارد که معتقدند مجازات‌های تنبیهی در دانشگاه‌ها باید جنبه اصلاح‌گر داشته باشند. طرفداران این دیدگاه بر این باورند که محیط دانشگاهی باید محیطی تربیتی و آموزشی باشد و از این رو، مجازات‌ها باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که دانشجویان را به سوی اصلاح رفتار سوق دهند. این دیدگاه بیشتر به استفاده از روش‌های جایگزین مجازات، مانند شرکت در برنامه‌های اصلاحی، ارائه گزارش‌های تحقیقی یا انجام کارهای اجتماعی تأکید دارد (Bagheri & Karimov, 2013). این روش‌ها می‌توانند به دانشجویان کمک کنند تا از خطاهای خود درس بگیرند و رفتار خود را اصلاح کنند، بدون آنکه به‌طور جدی از فرایند تحصیل و پیشرفت آنها جلوگیری شود. با توجه به اختلاف نظرهای موجود، بسیاری از متخصصان بر این باورند که نظام انضباطی دانشگاه‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شود که علاوه بر رعایت عدالت و تناسب مجازات‌ها، فرصت‌های اصلاح و بازسازی رفتار را نیز برای دانشجویان فراهم آورد. این نظام باید به‌گونه‌ای باشد که در صورت تخلف، دانشجو بتواند از این تجربه برای بهبود رفتار خود استفاده کند و در عین حال، فضای علمی و تربیتی دانشگاه حفظ شود (Moradkhani & Mahmoudi, 2020; Raeijian Asl, 2014).

#### ساختار کمیته‌های انضباطی دانشجویان

کمیته‌های انضباطی در دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهایی شبه‌قضایی عمل می‌کنند و وظیفه رسیدگی به تخلفات دانشجویان را بر عهده دارند. این کمیته‌ها در سه سطح بدوی، تجدیدنظر، و مرکزی فعالیت می‌کنند و هر یک از این سطوح، صلاحیت و ساختار خاص خود را دارند. ساختار این کمیته‌ها به‌گونه‌ای است که باید از یک‌سو به حفاظت از نظم دانشگاهی بپردازد و از سوی دیگر، حقوق دفاعی دانشجویان متخلف را به رسمیت بشناسد. کمیته‌های انضباطی با این هدف تشکیل می‌شوند که در فضای دانشگاه، عدالت و انضباط حفظ شود و فرآیندهای رسیدگی به تخلفات به‌طور شفاف و منصفانه انجام گیرد.

کمیته انضباطی بدوی در هر دانشگاه مسئولیت ابتدایی بررسی تخلفات انضباطی را بر عهده دارد. این کمیته معمولاً متشکل از معاون دانشجویی دانشگاه، یکی از اعضای هیئت علمی رشته‌های مرتبط با حقوق یا معارف اسلامی، یک نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه و دو نفر دانشجوی است. هر یک از این اعضا نقش مهمی در رسیدگی به تخلفات انضباطی ایفا می‌کنند و ترکیب این کمیته نشان‌دهنده تلاشی برای حفظ توازن بین نمایندگان دانشگاه و دانشجویان است. این کمیته معمولاً به تخلفات کوچک‌تر و اولیه رسیدگی می‌کند و در صورت اعتراض، پرونده به کمیته تجدیدنظر ارجاع داده می‌شود (Aghaei Jannat Makan, 2017).

کمیته تجدیدنظر به‌عنوان مرجعی برای بررسی اعتراضات دانشجویان به تصمیمات کمیته بدوی تشکیل می‌شود. این کمیته معمولاً از اعضای بلندپایه‌تری تشکیل می‌شود و صلاحیت رسیدگی به تخلفات مهم‌تر را نیز دارد. ترکیب این کمیته به‌گونه‌ای است که تصمیمات آن نهایی‌تر و با دقت بیشتری صورت می‌گیرد. شورای انضباطی مرکزی نیز وظیفه رسیدگی به پرونده‌های مهم‌تر را بر عهده دارد و در مواردی که تخلف از نظر قانونی و امنیتی ابعاد گسترده‌تری داشته باشد، این شورا به بررسی نهایی پرداخته و احکام صادره از سوی کمیته‌های بدوی و تجدیدنظر را مورد ارزیابی قرار می‌دهد (Babaei, 2012).

صلاحیت مراجع انضباطی دانشگاه‌ها به‌طور دقیق در آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط به تخلفات انضباطی مشخص شده است. منظور از صلاحیت در این زمینه، توانایی قانونی مراجع مربوطه برای بررسی و صدور حکم درباره تخلفات دانشجویان است. کمیته‌های انضباطی دانشگاه‌ها می‌توانند به تمامی تخلفات دانشجویان که در حیطه دانشگاه رخ می‌دهد، رسیدگی کنند. این تخلفات ممکن است شامل مسائل آموزشی، اخلاقی، امنیتی یا حتی سیاسی باشد. صلاحیت این مراجع به‌گونه‌ای است که تمامی گزارش‌ها و شکایات مرتبط با تخلفات دانشجویان باید توسط این کمیته‌ها بررسی و در صورت لزوم مجازات‌های متناسبی اعمال شود (Ghapanchi & Danesh Nari, 2012).

یکی از اصول اساسی در صلاحیت مراجع انضباطی این است که تخلفات باید به‌صورت دقیق و مطابق با مقررات و آیین‌نامه‌های دانشگاهی بررسی شود. همچنین، حق اعتراض دانشجویان به احکام صادره باید در آیین‌نامه‌ها لحاظ شود تا از اصول دادرسی منصفانه پیروی شود. کمیته‌های انضباطی در دانشگاه‌های مختلف، بر اساس نوع و شدت تخلف، صلاحیت‌های متفاوتی دارند. برای مثال، کمیته بدوی تنها صلاحیت رسیدگی به تخلفات کوچک‌تر را دارد و کمیته تجدیدنظر صلاحیت بررسی تخلفات سنگین‌تر و مهم‌تر را بر عهده دارد (MirMohammad Sadeghi, 2013).

در برخی موارد، مراجع انضباطی ممکن است صلاحیت رسیدگی به تخلفات خارج از محیط دانشگاه را نیز داشته باشند؛ اما این مسئله باید به‌طور دقیق در آیین‌نامه‌ها مشخص شود تا از تضییع حقوق دانشجویان جلوگیری شود. این نکته در برخی مقررات دانشگاه‌ها مورد توجه قرار نگرفته است و منجر به بروز ناعدالتی‌هایی در روند رسیدگی به تخلفات انضباطی می‌شود (Ardelani & Shahraki Pour, 2023).

آیین‌نامه‌های انضباطی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی یکی از مهم‌ترین ابزارها برای تنظیم و کنترل رفتار دانشجویان و تضمین حفظ نظم و آرامش در فضای دانشگاهی است. این آیین‌نامه‌ها به‌طور کلی شامل مقرراتی هستند که تخلفات انضباطی دانشجویان را دسته‌بندی می‌کنند و برای هر نوع تخلف، مجازات‌های مشخصی را تعیین می‌کنند. همچنین، این آیین‌نامه‌ها ساختار و صلاحیت مراجع انضباطی مانند کمیته‌های بدوی و تجدیدنظر را مشخص می‌کنند و اصول کلی دادرسی در این موارد را تعریف می‌کنند. با وجود این که این مقررات به منظور تضمین عدالت و شفافیت در فرایند رسیدگی به تخلفات انضباطی تدوین شده‌اند، بسیاری از منتقدان بر این باورند که نواقص و کاستی‌های مهمی در این آیین‌نامه‌ها وجود دارد که به رعایت نکردن کامل اصول دادرسی منصفانه منجر می‌شود.

یکی از مسائل مهم در آیین‌نامه‌های انضباطی دانشگاه‌ها، عدم شفافیت در تعریف تخلفات و مجازات‌های متناسب است. بسیاری از تخلفات به صورت کلی و بدون تعریف دقیق در آیین‌نامه‌ها ذکر شده‌اند و این موضوع می‌تواند به تفسیرهای متفاوتی از سوی مراجع انضباطی منجر شود. برای مثال، تخلفاتی نظیر "اخلال در نظم عمومی دانشگاه" یا "نقض اصول اخلاقی" ممکن است به‌طور گسترده تفسیر شوند و این امر امکان سوءاستفاده از قدرت را فراهم می‌کند. به علاوه، مجازات‌هایی که برای این تخلفات در نظر گرفته می‌شود، اغلب به شدت آن‌ها وابسته نیستند و این امر می‌تواند به اعمال مجازات‌های سنگین برای تخلفات جزئی منجر شود (Raeijian Asl, 2014).

مشکل دیگر مربوط به فرایند رسیدگی است که در آیین‌نامه‌ها به‌طور کامل تبیین نشده است. برای مثال، در بسیاری از موارد، دانشجویان نمی‌دانند که حق دارند از وکیل استفاده کنند یا این‌که چگونه می‌توانند از خود دفاع کنند. این ناآگاهی از حقوق دفاعی باعث می‌شود که بسیاری از دانشجویان در مواجهه با مراجع انضباطی، احساس ضعف کنند و نتوانند به‌طور مؤثر از حقوق خود استفاده کنند. این موضوع به‌ویژه در مواردی که تخلفات سنگین‌تر مانند تعرضات اخلاقی یا سیاسی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، از اهمیت بیشتری برخوردار است (Ghapanchi & Danesh Nari, 2012).

یکی از نواقص اساسی در ساختار مراجع انضباطی دانشگاه‌ها، عدم استقلال این مراجع است. در بسیاری از دانشگاه‌ها، اعضای کمیته‌های انضباطی از افرادی تشکیل شده‌اند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به نهادهای مدیریتی دانشگاه هستند و این موضوع می‌تواند بر بی‌طرفی آن‌ها تأثیر بگذارد. به عبارت دیگر، این مراجع ممکن است به‌جای تصمیم‌گیری بر اساس اصول حقوقی و دادرسی منصفانه، تحت تأثیر فشارهای مدیریتی دانشگاه یا حتی مسائل سیاسی قرار گیرند. به همین دلیل، برخی منتقدان پیشنهاد می‌کنند که اعضای این کمیته‌ها باید از افرادی انتخاب شوند که استقلال بیشتری داشته و با اصول دادرسی منصفانه آشنایی کامل داشته باشند (Bagheri & Karimov, 2013). یکی دیگر از کاستی‌های موجود در ساختار فعلی مراجع انضباطی، عدم تخصص کافی اعضای این مراجع در مسائل حقوقی است. بسیاری از اعضای کمیته‌های انضباطی از اساتید دانشگاه یا مدیران اجرایی هستند که تخصصی در مسائل حقوقی و دادرسی ندارند. این فقدان تخصص می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های نادرست و اعمال مجازات‌های نامتناسب منجر شود. به همین دلیل، بسیاری از محققان بر این باورند که مراجع انضباطی باید از افرادی تشکیل شود که دارای تخصص در حقوق و دادرسی هستند و می‌توانند به‌طور دقیق و بر اساس اصول قانونی به تخلفات دانشجویان رسیدگی کنند (Bagheri & Barzegar, 2020).

به علاوه، یکی از مشکلات دیگر در ساختار فعلی مراجع انضباطی، طولانی بودن فرایند رسیدگی به تخلفات است. در بسیاری از موارد، رسیدگی به تخلفات انضباطی مدت‌ها به طول می‌انجامد و این موضوع می‌تواند به نارضایتی دانشجویان و آسیب به روحیه آن‌ها منجر شود. این تاخیرها اغلب به دلیل نبود یک سازوکار کارآمد برای مدیریت پرونده‌های انضباطی و عدم همکاری مؤثر میان اعضای مراجع انضباطی به وجود می‌آید. برای رفع این مشکل، لازم است که فرایند رسیدگی به تخلفات با سرعت بیشتری انجام شود و از ابزارهایی مانند سیستم‌های مدیریت پرونده‌ها و افزایش تعداد جلسات کمیته‌های انضباطی استفاده شود (Ardelani & Shahraki Pour, 2023).

### تناسب مجازات‌های تنبیهی با فعل ارتکابی

تناسب مجازات و عدالت در اعمال تنبیه‌ها یکی از اصول بنیادی حقوق جزا و دادرسی است که به‌ویژه در مجازات‌های انضباطی دانشجویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مفهوم "تناسب" به معنای همخوانی و تطابق میان شدت یا نوع مجازات و تخلف ارتکابی است. اصل تناسب، از این نظر حائز اهمیت است که به جلوگیری از افراط یا تفریط در اعمال مجازات کمک می‌کند. این اصل بر این نکته تأکید دارد که



هر نوع تخلف باید با مجازاتی متناسب همراه باشد؛ مجازات‌هایی که از لحاظ شدت و نوع باید با تخلف ارتكابی همخوانی داشته باشند (Bagheri & Karimov, 2013).

از منظر فلسفی، عدالت در اعمال مجازات به معنای رعایت انصاف و برابری در برخورد با متخلفان است. این عدالت به دو جنبه تقسیم می‌شود: عدالت توزیعی و عدالت تعویضی. عدالت توزیعی به معنای اختصاص حقوق و مجازات‌ها به افراد بر اساس جایگاه و شرایط آنان است. در حالی که عدالت تعویضی بر این نکته تأکید دارد که هر فرد باید بر اساس رفتارهای خود مجازات یا پاداش بگیرد. در این راستا، اصل تناسب بین فعل ارتكابی و مجازات به‌عنوان یکی از ارکان عدالت تعویضی شناخته می‌شود (Ardelani & Shahraki Pour, 2023). در نظام‌های انضباطی دانشگاه‌ها، اعمال مجازات‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که نه تنها به هدف اصلاح و تربیت دانشجویان کمک کند، بلکه از اعمال ناعادلانه و غیرمنصفانه جلوگیری شود. از این منظر، مجازات‌های تنبیهی باید به‌گونه‌ای باشند که از یک‌سو امکان اصلاح رفتار دانشجویان را فراهم آورند و از سوی دیگر از انجام تخلفات جدید جلوگیری کنند. برای نمونه، تنبیه‌های سنگین برای تخلفات کوچک می‌تواند منجر به ایجاد احساس نارضایتی و ناامیدی در میان دانشجویان شود و بر روحیه و عملکرد آنان تأثیر منفی بگذارد (Student Disciplinary Regulations, 2022).

آیین‌نامه‌های انضباطی دانشگاه‌ها، مجازات‌های مختلفی را برای تخلفات دانشجویان تعیین می‌کنند که از تخلفات کوچک تا جدی‌تر، انواع مختلفی از مجازات‌ها را شامل می‌شود. این مجازات‌ها می‌توانند از تذکر شفاهی یا اخطار کتبی شروع شده و به مجازات‌های سنگین‌تر نظیر تعلیق از تحصیل یا حتی اخراج دائم ختم شوند. هدف از این مجازات‌ها علاوه بر حفظ نظم و انضباط در دانشگاه، تربیت و اصلاح رفتار دانشجویان است (Ghapanchi & Danesh Nari, 2012).

یکی از مجازات‌های معمول در آیین‌نامه‌های انضباطی، "اخطار کتبی" است که برای تخلفات سبک‌تر نظیر غیبت‌های مکرر یا عدم رعایت اصول اولیه رفتار در کلاس‌ها صادر می‌شود. این مجازات اغلب به‌عنوان اولین مرحله از تنبیه‌های انضباطی در نظر گرفته می‌شود و هدف آن هشدار به دانشجو برای جلوگیری از تکرار تخلف است. در موارد جدی‌تر، "تعلیق از تحصیل" ممکن است به‌عنوان مجازات اعمال شود. این مجازات برای تخلفات جدی‌تر مانند تقلب در امتحانات یا تعرض به دیگر دانشجویان در نظر گرفته شده و مدت تعلیق می‌تواند از یک ترم تا چندین ترم متغیر باشد (Bagheri & Barzegar, 2020).

یکی دیگر از مجازات‌های متداول در آیین‌نامه‌های انضباطی "محرومیت از امکانات دانشگاه" است. این مجازات معمولاً برای تخلفاتی که مربوط به استفاده نادرست از امکانات دانشگاهی یا عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط به استفاده از این امکانات است، اعمال می‌شود. هدف از این نوع مجازات‌ها، آموزش و تربیت دانشجویان در استفاده صحیح از منابع و امکانات دانشگاه است. برای مثال، محرومیت از کتابخانه یا سایر امکانات آموزشی برای مدت مشخصی می‌تواند به دانشجویان یاد دهد که استفاده نادرست از این امکانات عواقبی خواهد داشت (Ardelani & Shahraki Pour, 2023).

آیین‌نامه انضباطی دانشگاه‌ها همچنین مجازات‌های شدیدتری نظیر "اخراج دائم از دانشگاه" را برای تخلفات بسیار جدی در نظر می‌گیرد. این نوع مجازات‌ها بیشتر در مواردی اعمال می‌شود که دانشجویان به‌طور مکرر و جدی مقررات دانشگاهی را نقض کنند. برای مثال، تخلفات امنیتی یا اخلاقی سنگین، مانند حمل سلاح یا مشارکت در فعالیت‌های غیرقانونی، ممکن است منجر به اخراج دائم دانشجو از دانشگاه شود.

اعمال این مجازات‌ها باید بر اساس اصول دادرسی منصفانه و با رعایت حقوق دفاعی دانشجویان انجام شود تا از وقوع اشتباهات حقوقی و اعمال ناعادلانه جلوگیری شود (Ghapanchi & Danesh Nari, 2012).

یکی از اصول اساسی در دادرسی انضباطی این است که مجازات‌های تنبیهی با تخلفات ارتكابی همخوانی و تناسب داشته باشند. این اصل در زمینه‌های مختلف حقوقی به‌ویژه در دادرسی انضباطی به‌عنوان یکی از ارکان عدالت شناخته می‌شود. مجازات‌ها باید بر اساس شدت و نوع تخلف، به‌گونه‌ای اعمال شوند که هم حق دفاع متهم و هم نیاز به حفظ نظم و امنیت در محیط دانشگاه رعایت شود. در بسیاری از موارد، آیین‌نامه‌های انضباطی دانشگاه‌ها با این اصل تطابق ندارند و مجازات‌های تنبیهی اعمال‌شده با تخلفات ارتكابی هماهنگ نیستند. این عدم تناسب می‌تواند باعث ایجاد احساس نارضایتی و ناعدالتی در میان دانشجویان شود و بر روحیه آن‌ها تأثیر منفی بگذارد (Student Disciplinary Regulations, 2022).

به‌عنوان مثال، در مواردی که دانشجویی به دلیل عدم حضور کافی در کلاس‌ها تنبیه می‌شود، اعمال مجازات‌هایی نظیر تعلیق از تحصیل می‌تواند به‌عنوان یک مجازات نامتناسب تلقی شود. از طرف دیگر، در مواردی که دانشجو تخلفاتی جدی مانند تقلب در امتحانات یا نقض اصول اخلاقی مرتکب شده است، مجازات‌های سبک‌تری نظیر اخطار کتبی ممکن است ناکافی و ناعادلانه به نظر برسد (Raeijian Asl, 2014). از این رو، لازم است که آیین‌نامه‌های انضباطی به‌گونه‌ای تنظیم شوند که مجازات‌ها با شدت و نوع تخلف متناسب باشند و از اعمال مجازات‌های سنگین برای تخلفات کوچک یا مجازات‌های سبک برای تخلفات جدی جلوگیری شود.

آیین‌نامه‌های انضباطی دانشگاه‌ها اغلب دارای مشکلاتی در تعریف دقیق تخلفات و تعیین مجازات‌های متناسب هستند. به‌عنوان مثال، در برخی موارد، تخلفات به‌طور کلی و بدون تعریف دقیق مشخص شده‌اند و این امر می‌تواند به تفسیرهای متفاوت و اعمال مجازات‌های ناعادلانه منجر شود. برای مثال، تخلفاتی مانند "رفتار ناپسند در محیط دانشگاه" ممکن است به‌طور گسترده و سلیقه‌ای تفسیر شود و دانشجویان با مجازات‌هایی مواجه شوند که با تخلف انجام‌شده تطابق ندارد (Ghapanchi & Danesh Nari, 2012).

بررسی پرونده‌های واقعی از تخلفات انضباطی در دانشگاه‌ها می‌تواند به درک بهتر از میزان تطابق مجازات‌های تنبیهی با تخلفات ارتكابی کمک کند. در بسیاری از موارد، می‌توان مشاهده کرد که مجازات‌های اعمال‌شده با شدت و نوع تخلف همخوانی ندارند و این موضوع به بروز نارضایتی‌های گسترده‌ای در میان دانشجویان منجر شده است. برای مثال، در یکی از پرونده‌های بررسی‌شده در یک دانشگاه دولتی، دانشجویی که به دلیل عدم حضور مکرر در کلاس‌ها توبیخ کتبی دریافت کرده بود، به‌طور ناگهانی با مجازات تعلیق از تحصیل برای یک ترم مواجه شد. این مجازات به‌طور گسترده‌ای ناعادلانه تلقی شد؛ زیرا حضور ناکافی در کلاس‌ها معمولاً باید با مجازات‌های سبک‌تری مانند اخطار کتبی یا حتی کاهش نمره مواجه شود (Bagheri & Barzegar, 2020).

در پرونده‌ای دیگر، یک دانشجوی متهم به تقلب در امتحان نهایی با مجازات اخراج دائم از دانشگاه مواجه شد. در این مورد نیز، مجازات به‌عنوان یک تنبیه بسیار سنگین برای یک تخلف انضباطی تلقی شد. در حالی که تقلب در امتحان یک تخلف جدی است، اما بسیاری از کارشناسان حقوقی معتقدند که اخراج دائم از دانشگاه باید به‌عنوان آخرین راه‌حل و برای تخلفات بسیار جدی‌تر مانند تهدید امنیت عمومی یا تعرض به دیگران اعمال شود (Ardelani & Shahraki Pour, 2023).

علاوه بر این، در برخی موارد، عدم وجود رویه‌های مشخص برای تعیین نوع و میزان مجازات باعث شده است که مراجع انضباطی به‌طور سلیقه‌ای و بدون در نظر گرفتن اصول دادرسی منصفانه، تصمیمات خود را اتخاذ کنند. به‌عنوان مثال، در پرونده‌ای که مربوط به فعالیت‌های

سیاسی دانشجویان در محیط دانشگاه بود، دانشجویان متهم به شرکت در تجمعات غیرقانونی با مجازات‌های متفاوتی مواجه شدند. برخی از آن‌ها تنها با اخطار کتبی مواجه شدند، در حالی که برخی دیگر به دلیل همین تخلف با تعلیق از تحصیل مواجه شدند. این عدم هماهنگی در تعیین مجازات‌ها نشان می‌دهد که آیین‌نامه‌های انضباطی نیازمند اصلاح و به‌روزرسانی هستند تا از بروز چنین ناهماهنگی‌هایی جلوگیری شود (Bagheri & Karimov, 2013).

در نهایت، بررسی پرونده‌های واقعی نشان می‌دهد که مراجع انضباطی باید به‌طور جدی به مسئله تناسب مجازات‌ها با تخلفات ارتكابی توجه کنند. این امر نه تنها از بروز ناراضی‌های گسترده در میان دانشجویان جلوگیری می‌کند، بلکه به حفظ نظم و عدالت در محیط دانشگاهی نیز کمک می‌کند. اصلاح آیین‌نامه‌های انضباطی و تدوین رویه‌های شفاف و دقیق برای تعیین نوع و میزان مجازات‌ها می‌تواند به بهبود فرآیند دادرسی انضباطی کمک کند و از اعمال مجازات‌های غیرمنصفانه و ناعادلانه جلوگیری کند (Student Disciplinary Regulations, 2022).

### آسیب‌شناسی روند رسیدگی به تخلفات انضباطی

فرایند رسیدگی به تخلفات انضباطی در دانشگاه‌ها باید از شفافیت و دقت کافی برخوردار باشد تا از بروز هرگونه اشتباه و ناعدالتی جلوگیری شود. شفافیت در فرایند رسیدگی به این معناست که دانشجویان باید از تمامی مراحل دادرسی مطلع باشند و حقوق و وظایف خود را به‌درستی بشناسند. بسیاری از آیین‌نامه‌های انضباطی در دانشگاه‌ها به اندازه کافی شفاف نیستند و این مسئله می‌تواند به سوءتفاهم‌ها و مشکلاتی منجر شود که بر اعتماد عمومی به مراجع انضباطی تأثیر منفی می‌گذارد (Raeijian Asl, 2014).

در مواردی که شفافیت در فرایند رسیدگی وجود ندارد، دانشجویان ممکن است از حقوق خود آگاهی نداشته باشند و نتوانند به‌درستی از خود دفاع کنند. به‌علاوه، عدم اطلاع‌رسانی صحیح به دانشجویان می‌تواند احساس ناامنی و ناراضی‌های در آن‌ها ایجاد کند. در برخی موارد، دانشجویان حتی از ماهیت تخلفی که مرتکب شده‌اند به‌طور کامل مطلع نیستند و این امر باعث می‌شود که فرایند رسیدگی به تخلفات ناعادلانه به نظر برسد. به همین دلیل، شفافیت در اطلاع‌رسانی درباره حقوق دفاعی، مراحل رسیدگی و حتی دلایل تصمیمات مراجع انضباطی باید تضمین شود (Fathi, 2013).

یکی از بزرگ‌ترین نقایص در فرایند رسیدگی به تخلفات انضباطی در دانشگاه‌ها، عدم رعایت اصول دادرسی منصفانه است. اصول دادرسی منصفانه شامل مواردی نظیر حق دفاع، برابری فرصت‌ها، و دسترسی به اطلاعات مربوط به اتهامات است. در بسیاری از موارد، این اصول به‌درستی رعایت نمی‌شوند و دانشجویان از امکان دفاع کامل و شفافیت در روند دادرسی محروم می‌شوند (Aghaei Jannat Makan, 2017).

یکی از اصلی‌ترین مسائل مربوط به نقض اصول دادرسی منصفانه، نبود امکان استفاده از وکیل یا نماینده حقوقی برای دانشجویان در بسیاری از دانشگاه‌ها است. این مسئله باعث می‌شود که دانشجویان در برابر مراجع انضباطی بدون داشتن دانش کافی از حقوق خود قرار گیرند و نتوانند به‌درستی از خود دفاع کنند. همچنین، در بسیاری از موارد، مدت زمان رسیدگی به تخلفات بسیار طولانی است و این تأخیرها منجر به افزایش استرس و نگرانی در میان دانشجویان می‌شود (Yavari, 2014).

رعایت حقوق دانشجویان متخلف در فرایند رسیدگی به تخلفات انضباطی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، عدم آگاهی کافی دانشجویان از حقوق خود است. بسیاری از دانشجویان از حقوقی که در فرایند دادرسی دارند، نظیر حق سکوت، حق

اعتراض به حکم، و حق داشتن وکیل آگاهی ندارند و این ناآگاهی باعث می‌شود که در بسیاری از موارد حقوق آن‌ها تضییع شود (Ghapanchi & Danesh Nari, 2012).

یکی دیگر از چالش‌های موجود، نبود نهادهای مستقل و بی‌طرف برای رسیدگی به شکایات و اعتراضات دانشجویان است. در بسیاری از موارد، اعضای مراجع انضباطی دانشگاه از میان اساتید و مدیران دانشگاه انتخاب می‌شوند و این امر می‌تواند به وجود تعارض منافع منجر شود. به علاوه، در برخی موارد، دانشجویان احساس می‌کنند که تصمیمات مراجع انضباطی بر اساس ملاحظات سیاسی یا مدیریتی اتخاذ شده و این مسئله می‌تواند به بی‌اعتمادی در میان دانشجویان دامن بزند (Raeijian Asl, 2014).

برای بهبود فرایند رسیدگی به تخلفات انضباطی در دانشگاه‌ها، لازم است که شفافیت و دقت در تمامی مراحل دادرسی تقویت شود. نخستین پیشنهاد این است که دانشگاه‌ها باید آیین‌نامه‌های انضباطی خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که تمامی دانشجویان از حقوق و وظایف خود به‌طور کامل آگاهی داشته باشند. این امر می‌تواند از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی مناسب انجام شود (Fathi, 2013).

همچنین، لازم است که مراجع انضباطی دانشگاه‌ها از افراد با تجربه و تخصص حقوقی تشکیل شوند تا بتوانند به‌درستی به تخلفات رسیدگی کنند و از اعمال مجازات‌های ناعادلانه جلوگیری کنند. علاوه بر این، ایجاد نهادهای مستقل برای بررسی اعتراضات و شکایات دانشجویان می‌تواند به بهبود فرایند رسیدگی و افزایش اعتماد عمومی به این مراجع کمک کند (Aghaei Jannat Makan, 2017).

در نهایت، تسریع در روند دادرسی و جلوگیری از تأخیرهای غیرضروری نیز یکی از مهم‌ترین اقدامات برای بهبود فرایند رسیدگی به تخلفات انضباطی است. دانشگاه‌ها باید سیستم‌های مدیریت پرونده‌های انضباطی خود را به گونه‌ای طراحی کنند که فرایند دادرسی در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام شود و از بروز استرس و نگرانی‌های غیرضروری برای دانشجویان جلوگیری شود (Yavari, 2014).

#### بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به بررسی ساختار و فرآیندهای مراجع رسیدگی‌کننده به تخلفات انضباطی دانشجویان و تناسب مجازات‌های تنبیهی با فعل ارتکابی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که بسیاری از دانشگاه‌ها از سیستم‌های انضباطی غیرشفاف و ناکارآمد استفاده می‌کنند که در آن‌ها عدالت و اصول دادرسی منصفانه به‌طور کامل رعایت نمی‌شود. در نتیجه، دانشجویان به دلیل نداشتن آگاهی کافی از حقوق خود و نبود یک رویه شفاف، با مشکلات بسیاری مواجه هستند. مجازات‌ها نیز در برخی موارد نامتناسب با نوع تخلف اعمال می‌شوند که این مسئله می‌تواند تأثیرات منفی بر روحیه دانشجویان و عدالت در دانشگاه‌ها داشته باشد. یکی از مشکلات مهم، نبود هماهنگی بین تخلفات و مجازات‌های اعمال شده است، به طوری که دانشجویان در موارد مشابه، مجازات‌های متفاوتی دریافت می‌کنند. این موضوع نشان‌دهنده نواقص جدی در آیین‌نامه‌های انضباطی دانشگاه‌ها است.

برای بهبود ساختار انضباطی دانشگاه‌ها و تضمین رعایت اصول دادرسی منصفانه، چندین پیشنهاد کاربردی می‌تواند ارائه شود. اولین پیشنهاد، اصلاح آیین‌نامه‌های انضباطی و تدوین آن‌ها به گونه‌ای است که شفافیت و دقت بیشتری در آن‌ها وجود داشته باشد. لازم است که آیین‌نامه‌ها به‌صورت دقیق‌تر به تعریف تخلفات و مجازات‌های متناسب بپردازند تا از اعمال مجازات‌های غیرمتناسب جلوگیری شود. علاوه بر این، باید مکانیزم‌هایی برای اطلاع‌رسانی بهتر به دانشجویان در خصوص حقوق خود و فرایندهای رسیدگی به تخلفات ایجاد شود.

یکی دیگر از پیشنهادات مهم، افزایش استقلال مراجع انضباطی دانشگاه‌ها است. کمیته‌های انضباطی باید از افرادی با تخصص حقوقی و مستقل از مدیریت دانشگاه تشکیل شوند تا بتوانند به‌طور منصفانه و بدون تأثیرپذیری از فشارهای مدیریتی یا سیاسی به تخلفات دانشجویان رسیدگی

کنند. علاوه بر این، تشکیل یک واحد مستقل برای پیگیری شکایات دانشجویان و ایجاد یک نهاد نظارتی بر عملکرد مراجع انضباطی می‌تواند باعث افزایش اعتماد دانشجویان به سیستم انضباطی دانشگاه‌ها شود.

برای تضمین عدالت در فرایند رسیدگی به تخلفات انضباطی، لازم است که اصول دادرسی منصفانه به‌طور کامل رعایت شود. دانشجویان باید از حق داشتن وکیل برخوردار باشند و بتوانند در تمامی مراحل دادرسی از حقوق خود دفاع کنند. همچنین، زمان رسیدگی به تخلفات باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که از تأخیرهای غیرضروری جلوگیری شود، زیرا تأخیر در رسیدگی می‌تواند به بی‌اعتمادی و افزایش استرس دانشجویان منجر شود. از طرف دیگر، مراجع انضباطی باید به‌طور شفاف و دقیق به دانشجویان توضیح دهند که به چه دلیل مجازات خاصی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است تا از بروز هرگونه سوءتفاهم جلوگیری شود.

همچنین، تناسب مجازات‌ها با تخلفات باید به‌گونه‌ای تضمین شود که حقوق دانشجویان حفظ شود. مجازات‌های سنگین برای تخلفات کوچک می‌تواند باعث ایجاد احساس نارضایتی و بی‌عدالتی در میان دانشجویان شود. بنابراین، مراجع انضباطی باید توجه داشته باشند که مجازات‌ها نه تنها باید با شدت تخلف همخوانی داشته باشد، بلکه باید به‌گونه‌ای اعمال شود که دانشجویان بتوانند از تجربه تخلف خود درس بگیرند و رفتارهای خود را اصلاح کنند. استفاده از روش‌های تربیتی و اصلاحی مانند کارهای اجتماعی یا تکالیف آموزشی به‌جای مجازات‌های سنگین می‌تواند یکی از راهکارهای مؤثر در این زمینه باشد.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

In the realm of higher education, ensuring a balanced and just system of disciplinary measures is pivotal for maintaining academic integrity and fostering a fair educational environment. This study delves into the proportionality of punitive actions taken against students in disciplinary cases, assessing whether these measures align with the nature of the misconduct. It critically evaluates the structure and processes of disciplinary bodies in universities, examining the extent to which fairness and justice principles are upheld. The need for proportionality in disciplinary actions is deeply rooted in the concept of justice, where punishments should correspond to the severity of the offense. Disproportionate penalties, especially in academic settings, can lead to significant discontent and negative impacts on students, further complicating the goal of reforming their behavior (Bagheri & Karimov, 2013).

One of the key findings from the literature is the lack of clear guidelines in university disciplinary codes. These codes often leave room for interpretation, which can lead to inconsistent and, at times, harsh penalties for minor infractions. This lack of clarity can undermine the integrity of the disciplinary process, making it difficult for students to understand the consequences of their actions. For example, vague terms like "disruption of public order" or "ethical misconduct" may be broadly

interpreted, allowing for excessive punishments that are not always justified by the nature of the offense (Raeijian Asl, 2014). Consequently, this undermines the fairness of the process and the trust students place in the university's judicial bodies. The study highlights the importance of having well-defined rules that ensure consistency and fairness across disciplinary cases.

Moreover, the current disciplinary processes often lack the transparency necessary for ensuring students understand their rights and the procedures they are subject to. Many students are unaware of their legal rights within the disciplinary process, such as the right to counsel or the right to be fully informed about the charges against them. This lack of transparency and access to critical information can severely limit their ability to defend themselves effectively. The principle of fair trial, which is essential in any judicial or quasi-judicial process, is often overlooked in university settings (Aghaei Jannat Makan, 2017). The absence of clear communication channels and procedural transparency exacerbates students' feelings of helplessness, as they navigate a system that appears opaque and, at times, biased against them.

The research also reveals systemic issues within university disciplinary bodies, such as their lack of independence. These bodies are often composed of faculty or administrators who may not have adequate legal training or who may be susceptible to pressure from university leadership. This creates a significant risk of bias in decision-making, which can result in unjust outcomes for students (Bagheri & Karimov, 2013). The lack of specialized legal knowledge among members of disciplinary committees further compounds these issues, as many are ill-equipped to handle the complexities of cases that involve nuanced interpretations of university regulations and students' legal rights. This systemic flaw calls for a restructuring of these bodies to include individuals with the necessary expertise to ensure fair and lawful judgments.

One major area of concern is the disproportionate application of severe penalties, such as suspension or expulsion, for infractions that may not warrant such extreme measures. For instance, students have been suspended for failing to attend a sufficient number of classes, while others have faced expulsion for participating in unauthorized protests. These actions are viewed as overly punitive, particularly when compared to the relatively minor nature of the offenses (Ardelani & Shahraki Pour, 2023). The study calls for a re-evaluation of how penalties are determined, emphasizing that disciplinary actions should be rehabilitative rather than purely punitive. Universities should aim to foster learning environments where students can learn from their mistakes, rather than being severely penalized for actions that may not reflect serious misconduct.

The study concludes by offering practical recommendations for improving university disciplinary systems. These include revising disciplinary codes to ensure greater clarity and consistency in the application of penalties, increasing transparency in the disciplinary process to ensure students are fully aware of their rights, and enhancing the independence and legal expertise of disciplinary bodies. Implementing these changes would ensure a more just and equitable approach to handling student misconduct, aligning disciplinary measures with the principles of fairness and justice. In doing so, universities would not only improve their internal processes but also foster a more supportive environment where students feel that they are treated fairly and justly within the academic community.

## References

Aghaei Jannat Makan, H. (2017). *The Rights of Fair and Just Trials*. Jungle Publications.

- Ardelani, M., & Shahraki Pour, H. (2023). *A Comparison of Islamic and Western Philosophers' Views on Order and Discipline in Education*. National Congress on Data Analysis.
- Babaei, M. (2012). The Criminal Jurisdiction and Its Place in Iran's Legal System. *Journal of Criminal Law Teachings*, 3(1), 103-104.
- Bagheri, A., & Karimov, M. (2013). *A Critical Analysis of the Historical Development of Higher Education in Iran*. Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Bagheri, M., & Barzegar, R. (2020). Administrative Discipline in Iran's Public Law. *Iranian Public Law Journal*.
- Fathi, M. (2013). The Role of Prosecutor in Modern Criminal Policy and the Necessities of Fair Trial. *Journal of Islamic Jurisprudence and Legal Studies*.
- Ghapanchi, H., & Danesh Nari, H. (2012). The Dual Model of Criminal Process: "Crime Control" and "Fair Trial". *Journal of Criminal Law Teachings*, 4, 167-169.
- Mahmoudi, J., & Eskandari, S. (2014). *The Process of Disciplinary Prosecution of University Faculty Members in Iran*. University Press.
- MirMohammad Sadeghi, J. (2013). *Comparative Study of Student Disciplinary Punishments in Iran and Other Countries*.
- Moradkhani, J., & Mahmoudi, S. (2020). A Critical Analysis of Student Disciplinary Code. *Legal Studies Journal*.
- Raeijian Asl, M. (2014). Rethinking Fair Trial in the Light of Victim and Offender Rights. *Journal of Criminal Research*.
- Student Disciplinary Regulations*. (2022). Supreme Council of the Cultural Revolution.
- Yavari, A. (2014). *Criminal Procedure in Iran*. Mizan Publications.